رابطهٔ معنویت والدگری با کیفیت ارتباط در خانواده و سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان: تعیین نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط

دکتر محسن طالب زاده نوبریان[۱]
محمد سجاد صیدی[۲]
سید حسین موسوی[۳]
محمد مهدی میرلو[۴]

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مطالعه رابطهٔ معنویت والدگری با کیفیت ارتباط در بین خانواده و سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان است. جامعهٔ آماری آن دانش‌آموزان دبیرستانهای شهرستان زنجان و والدین آنان در سال تحصیلی ۹۰- ۸۹ بودند که از میان آنها ۲۱۳ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. آزمودنیها به سه پرسشنامهٔ تقدس والدگری، مقیاس ارتباط در خانواده و سرسختی روان‌شناختی پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از روشهای آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین معنویت والدگری با کیفیت ارتباط در خانواده و سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($P<$ ۰/۰۱). همچنین، نتایج بیانگر آن بود که متغیر کیفیت ارتباط در خانواده توانسته است واریانس قابل‌توجهی از سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان را تبیین کند (۲۲ درصد)؛ چنانکه میزان بالای معنویت والدین، کیفیت بهتر ارتباط خانواده و در نتیجه سرسختی روان‌شناختی بیشتری را در نوجوانان در پی داشت.

کلیدواژگان: معنویت والدگری، کیفیت ارتباط خانواده، سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۹

۱. استادیار علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی mohsen.talebzadehnobarian@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری مشاوره خانواده دانشگاه خوارزمی sa0se@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری برنامه ریزی آموزش عالی دانشگاه مازندران hossien_moosavi@yahoo.com
۴. کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تبریز mmmirloo@gmail.com

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

مقدمه

ریشهٔ بسیاری از نابهنجاریهای روانی و رفتاری انسانها را باید در خانواده جست‌وجو کرد و در عین حال بسیاری از پیشرفتهای بشر نیز از خانواده نشأت می‌گیرد (نظری، ۱۳۸۸). در میان عوامل تأثیرگذار بر سلامت روانی انسانها، خانواده نقش بسیار مهمی دارد (مینوچین، ۱۹۷۴؛ ترجمهٔ ثنایی، ۱۳۸۳). در حال حاضر، برآوردهای همه‌گیر شناختی نیز مؤید این نکته است که خانوادهٔ نابهنجار[1] عامل اصلی ایجاد مشکلات رفتاری و هیجانی انسان است (دادز، ترجمهٔ دهگانپور و محمدی، ۱۳۸۷).

سرسختی[2] مفهومی است که به‌تازگی در حوزه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی[3] پدید آمد و ارتباط ویژگیهای درونی در کمک کردن به فرد برای غلبه بر تجارب منفی زندگی را مورد توجه قرار داد. واژه سرسختی در ادبیات پزشکی شکل گرفت و نخستین بار کوباسا[4] آن را به عنوان عامل مقاومت[5] در اواخر دهه ۱۹۷۰ شناسایی کرد. در ابتدا این واژه برای بررسی رابطه میان سلامت و استرس به کار رفت؛ چنانکه یافته‌های اولیه کوباسا نشان می‌داد افرادی که سطوح بالاتری از استرس را تجربه می‌کنند و سالم باقی می‌مانند دارای ساختار شخصیتی متفاوتی نسبت به افرادی هستند که سطوح بالایی از استرس را تجربه و بیمار می‌شوند. حوزه اصلی این ساختار شخصیت، سرسختی نامیده شد که با استفاده از منابع خودکنترلی برای ارزیابی کردن، تفسیر کردن و پاسخ‌دادن به محرکهای تنش‌زای سلامتی ضروری است. سرسختی عبارت است از توانایی برای سالم ماندن پس از تجربه درجه بالایی از استرس به واسطه ویژگیهای شخصیتی خودکنترلی، تعهد و توانایی برای غلبه بر چالش‌ها (مادی[6]، ۲۰۰۶).

سرسختی از پیش‌بینی‌کننده‌های سلامت روانی محسوب می‌شود (عسگری و همایی، ۱۳۸۹) و جنبه‌های شناختی و رفتاری شخصیت را در بر می‌گیرد که به مثابهٔ عامل متعادل‌کننده یا میانجی در تسکین اثرهای تنش‌زاها و فشارهای محیطی عمل می‌کند (رمزی[7]، ۲۰۰۸). کوباسا، مدی و کان (۱۹۸۲، به نقل از متیوز[8] و ثروتی- سیب[9]، ۲۰۰۷) بیان می‌کنند که سرسختی فردی مفهومی است

1. Abnormal family
2. Hardiness
3. Psychological resiliency
4. Kobasa
5. Resistance factor
6. Maddi
7 .Ramzi
8. Mathews
9. Servaty-Seib

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

دربردارندهٔ حس معناداری در زندگی (تعهد)، باور به اینکه تغییر در زندگی امری طبیعی است و فرصتهایی را برای رشد ایجاد می‌کند (چالش)، و باور به اینکه افراد می‌توانند بر رخدادهای زندگیشان اثرگذار باشند (کنترل). پژوهشگران درصدد برآمدند تا سرسختی را در قالب عامل عمومی ارتقای سلامت مفهوم‌سازی کنند که قادر می‌ساخت که افراد هم به لحاظ روانی و هم جسمانی علی رغم مواجه با موقعیتها و تجارب استرس‌زا سالم بمانند. سرسختی تأثیرات مهمی در کاهش استرس و نشانگان افسردگی دارد (هانگ[1]، ۱۹۹۵). سرسختی از میزان بزرگی تهدید در ارزیابی آن می‌کاهد و انتظار فرد را مبنی بر اینکه تلاشهایش نتیجه‌بخش خواهند بود افزایش می‌دهد. افراد با سرسختی بالا قادرند به شیوه مناسب‌تری با استرس کنار بیایند و همچنین بار دیگر تجارب متناقض خود را تنظیم و تفسیر کنند (بیگبی[2]، ۱۹۸۵).

در پژوهشی مشخص شد دانش‌آموزان و دانشجویانی که از جدیت و وجدان بالایی برخوردارند در فعالیتهای تحصیلی خود کنجکاو، طالب پیشرفت، سخت‌کوش و باپشتکار هستند (حمید، ۱۳۸۹). نکته قابل تأمل این است که سرسختی شخصیتی ارتباط مثبتی با سخت‌کوشی و جدیت دارد (کوماراجو و کاریو،[3] ۲۰۰۵). مادی (۲۰۰۶) معتقد است که ویژگی شخصیتی سرسختی به مثابهٔ آمیزه شناختی – هیجانی عمل می‌کند که رشد و یادگیری هدفمند را برای سبک شخصیتی فراهم می‌آورد. وی همچنین معتقد است که ویژگی سرسختی بالا در دانشجویان باعث می‌شود که آنان با مشکلات مربوط به دوره تحصیلی خود به‌خوبی مقابله کنند و در نتیجه یادگیری به فرآیند مثبتی از رشد و موفقیت دسترسی یابند که باعث افزایش عملکرد تحصیلی و مؤلفه‌هایی مانند خلاقیت، خردورزی، اتمام موفقیت‌آمیز تحصیلات و بهزیستی روانی و جسمانی آنها خواهد شد (حمید، ۱۳۸۹).

از طرفی، علمای تربیتی و روان‌شناسی، یکی از مهمترین نهادهای مؤثر در رشد و تربیت رفتار آدمی را خانواده می‌دانند. این سازمان اجتماعی اولین و بادوامترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان است و تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در رشد جسمانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی آنان دارد. در حقیقت، فرد در خانواده متولد می‌شود، در سازمان خانواده زندگی می‌کند، در موقع نیاز به خانواده روی می‌آورد و در پرتو خانواده سکون می‌یابد. برخی محققان از تأثیر جو خانواده بر ویژگیهای فرزندان خبر داده‌اند (کشتکاران، ۱۳۸۸؛ زارع و سامانی،۱۳۸۷؛ جمشیدی و

1. Huang
2. Bigbee
3. Komarraju & Karau

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

همکاران،۱۳۸۷؛ پروسا و پروسا[1]، ۲۰۰۱؛ هیگینز[2]، بیلی[3] و پیرس[4]، ۲۰۰۵؛ مولیس[5]، بریلسفورد[6] و مولیس،۲۰۰۳).

ارتباط در خانواده به عنوان عاملی تأثیرگذار در ساخت و کارکرد خانواده مطرح شده است (بولتون[7]؛ ترجمه سهرابی، ۱۳۸۶). ارتباط در خانواده عمل ترکیب اطلاعات، عقاید، افکار و احساسات شناخته‌شدهٔ اعضای یک خانواده تعریف می‌شود (السون[8] و بارنز[9]، ۲۰۰۴). روابط پایه و اساس پاسخ به نیازهای متعدد هستند. برای نمونه، نیازهای فیزیولوژیکی به خصوص نیازهای جنسی، نیازهای ایمنی و امنیت، نیاز به عشق و احترام، نیازهای شناختی، و نیاز به خودشکوفایی همه به نوعی در روابط ارضا می‌شوند (سیمن[10]،۱۹۹۶؛ به نقل از صادقی، ۱۳۸۹).

والش[11] (۲۰۰۲ و ۲۰۰۶) بیان می‌دارد که توانایی تصریح مشکل، و تغییراتی که رخ دادن آنها را در طول مشکل می‌توان انتظار داشت، و مراودات می‌توانند همچنین به رفتارهای تطابقی بیشتر منجر شوند، و در نتیجه، سرسختی و تاب‌آوری بیشتر را موجب شوند. این عامل خانواده‌ها را برای ابراز هیجانها و تشخیص حالات هیجانی شخصی اعضای خانواده توانمند می‌سازد. مقتضیات و ساختارهای پیچیدهٔ زندگی امروز خانواده‌ها، بر اهمیت ارتباط مناسب بیش از پیش افزوده است. در زمانهای بحران، انتقالها یا تنشهای مزمن، ارتباطات به احتمال بیشتری شکننده‌تر خواهند شد- و این هنگامی رخ می‌دهد که ارتباط ضرورت بیشتری دارد (والش، ۲۰۰۶).

از طرفی محققان (لوزر[12]،کلاین[13]، هیل[14] و دولهایت[15]، ۲۰۰۸؛ گالاپ[16]، ۱۹۹۶، به نقل از بیلی، ۲۰۰۲) معتقدند که مذهب و معنویت از طریق چهار سیستم اصلی: الف) فردی[17] ب)خانوادگی[18] ج) ساختاری[19] و د) اجتماعی[20] بر زندگی روزمره ما اثر می‌گذارند، که این نشان گسترهٔ نفوذ این

1. Perosa & Perosa
2 . Higgins
3 . Bailey
4 . Pearce
5 . Mullis
6 . Brailsford
7. Bolton
8. Olson
9. Barnes
10 . Siman
11. Walsh
12 . Loser
13 . Klein
14 . Hill
15 . Dollahite
16. Gullap
17. Individual
18 . Familial
19 . Structural
20 . Social

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

عوامل در دنیای فردی و ارتباطی ما انسانهاست. معنویت و باورهای معنوی که از عوامل مهم تأثیرگذار بر تاب‌آوری خانواده به شمار می‌روند، همواره مورد توجه متخصصان و پژوهشگران خانواده بوده‌اند. معنویت عبارت است از آگاهی از اصلی الهی یا روحانی که شالوده و مبنای زندگی روزمره است که معنا و آموزه‌هایی را برای حیات دنیوی فراهم می‌آورد (ماهونی[1] و همکاران، ۲۰۰۳). معنویت به عنوان حوزه‌ای از زندگی شامل نیاز برای یافتن معنا در وجود و هستی‌مان است؛ جست‌وجو برای روابط ارضاکننده میان خود و دیگران، جهان، هستی، آنگونه که شخص می‌بیند و آن را درک می‌کند. برخی از محققان براین باورند که انسان بعد معنوی را در کنار سایر ابعاد زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی داراست. صدها پژوهش در حوزه سلامت روانی به نقش باورهای دینی و معنوی اشاره می‌کنند که به انعطاف‌پذیری و بهبودپذیری افرادی که به بیماری یا ناتوانی‌هایی در زندگی دچارند کمک می‌کنند (پوستون و تورنبال[2]، ۲۰۰۴).

رشد انسان عموماً فرآیندهایی متأثر از شرایط اجتماعی - فرهنگی در نظر گرفته می‌شود (هارکنس[3] و همکاران، ۲۰۰۷). یک جنبه مهم از زمینه رشد اجتماعی فرهنگی، باورهای مربوط به پرورش فرزند است. این باورها بخشی از بافتی هستند که فرزندان در آن رشد می‌کنند و با شیوه‌هایی که فرزندان تفسیر و درونی‌سازی می‌کنند، و واقعیت‌های گروه اجتماعی فرهنگی‌شان مرتبط است (پاترسون،[4] ۲۰۰۲). برخی باورها بسته به موقعیت، مفیدتر از سایر باورها هستند. برخی باورها نیز در درون یک فرهنگ خاص قابل‌پذیرش‌اند. هر خانواده باورهای مشترکی دارد که با ارزشهای فرهنگی آمیخته و از تجارب و موقعیتهایشان در طول زمان تأثیر پذیرفته است (مک گلدریک، جئوردانو و گارسیا- پرتو[5]، ۲۰۰۵).

طبق نتایج پژوهش‌هایی که پاین[6] (۲۰۱۰) و لمبرت و دولهایت (۲۰۰۸) انجام داده‌اند، معنویت بر باورهای زوجین اثری معنادار دارد. معنویت را می‌توان جوهر الهی فرد و یک کیفیت درونی انسانی تعریف کرد (زپف[7]، ۲۰۰۵). مطابق گزارش سازمان بهداشت جهانی که در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است، معنویت سهم بسزایی در کیفیت زندگی افراد در سراسر جهان دارد.

1. Mahoney
2. Poston, D.J. & Turnbull, A.P.
3. Harkness
4. Patterson
5. McGoldrick, Giordano & Garcia-Preto
6. Payne
7. Zapf

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

یک جهان‌بینی معنوی، افراد و خانواده‌هایشان را در سراسر دوره زندگی و حتی نسلهای بعد را جهت می‌بخشد. معنویت ارزشها و اهداف والایی می‌آفریند و روابط و اقدامات روزمره را هدایت می‌کند، و تاب‌آوری و سرسختی را در برابر مشکلات و مصیبتها تقویت می‌کند. بسیاری از تحقیقات اخیر خبر از نقش معنوی و مذهبی بودن خانواده در تحمل مشکلات می‌دهند (دوتی[1]، ۲۰۰۳).

با جمع‌بندی مطالب مطرح شده و با توجه به اینکه ارتباط در برخی از مطالعات (صیدی، ۱۳۹۰؛ السون، ۲۰۰۰؛ اسمیت[2]، فریمن[3] و زبریسکی[4]، ۲۰۱۰) متغیر واسطه‌ای در نظر گرفته شده است، به نظر می‌رسد، در این نوع مدل‌پردازی نیز می‌تواند نقشی واسطه‌ای را ایفا کند. الگوی پیشنهادی این پژوهش بر این فرض استوار است که معنویت با افزایش ارتباط در خانواده، سرسختی بالاتر فرزندان را موجب خواهد شد. با توجه به مفاهیم مطرح‌شده، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا کیفیت ارتباط در خانواده می‌تواند کارکرد متغیری واسطه‌ای در رابطه بین معنویت والدگری و سرسختی فرزندان داشته باشد؟

روش پژوهش

روش پژوهش همبستگی از نوع توصیفی است. جامعه آماری، کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان زنجان، در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ و والدین آنان است. تعداد ۲۱۳ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای بررسی مدل فرضی پژوهش از رگرسیون همزمان و رگرسیون سلسله‌مراتبی مطابق با مراحل روش بارون و کنی (۱۹۸۶؛ به نقل از صیدی، ۱۳۹۰) استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سرسختی کوباسا: این پرسشنامه توسط کوباسا (۱۹۷۶؛ به نقل از نریمانی و عباسی، ۱۳۸۸) ساخته شده است که دارای ۵۰ ماده است و آزمودنی باید میزان صحیح یا غلط بودن جملات را در یک مقیاس ۴ درجه‌ای از صفر تا سه مشخص کند. پرسشنامه ویژگی شخصیتی سرسختی توسط دژکام و قربانی (۱۳۷۳) ترجمه، و روایی صوری و محتوایی آن محاسبه شده است و در مطالعه‌ای که توسط مدی (۱۹۹۴) صورت گرفته، بر اساس آلفای کرونباخ ثبات درونی این

1. Doty
2.Smith
3.Freeman
4. Zabriskie

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

آزمون برای هر یک از مقیاس‌های چالش، کنترل و تعهد ۰/۷۱، ۰/۸۴ و ۰/۷۵ و سرسختی به طور کامل ۰/۸۸ محاسبه شد (صیدی، ۱۳۸۹). مطالعه جمهری (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که مقیاسهای سرسختی هر یک به ترتیب از ضریب پایایی ۰/۷۰ و ۰/۵۲ و ۰/۵۲ برخوردارند و این ضریب برای کل صفت سرسختی ۰/۷۵ محاسبه شده است. در تحقیق رمضانی گل‌افزانی (۱۳۸۷) برای محاسبه پایایی، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۲ و ۰/۷۱ است. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای نمره کلی پرسشنامه ۰/۸۸، و برای خرده‌مقیاس‌های تعهد، چالش، کنترل به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۷۰، ۰/۷۲ محاسبه شد.

مقیاس ارتباط در خانواده[1]: مقیاس ارتباط در خانواده، بر مبنای نسخه ۲۰ آیتمی مقیاس ارتباط والد- فرزند (PACS)، (برنز و السون، ۱۹۸۵) ساخته شد. مقیاس ارتباط در خانواده از ۱۰ آیتم تشکیل شده است که ابعاد مختلف ارتباط در خانواده را اندازه می‌گیرند. این ۱۰ آیتم با یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرتی اندازه گرفته می‌شوند که ۱ با عبارت کاملاً مخالفم و ۵ با عبارت کاملاً موافقم همراه است. مقیاس ارتباط خانواده، جنبه‌های مثبت ارتباط خانواده را با تأکید بر جریان تبادل آزادانه اطلاعات، هم‌عینی و هم‌هیجانی را اندازه می‌گیرد. این مقیاس میزانی از احساس عدم‌اجبار و رضایت موجود بین اعضای خانواده را می‌سنجد. نمرهٔ بالا در این مقیاس نشان دهندهٔ کارکرد ارتباطی بالا در خانواده است. السون و برنز (۲۰۰۴) سطح انسجام درونی آزمون فوق را برای یک نمونهٔ ملی قابل قبول (α=۰/۸۸) و پایایی بازآزمایی آن را ۰/۸۶ ارزیابی کردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۲ به دست آمد.

مقیاس تقدس والدگری: تقدس در والدگری با دو خرده مقیاس اصلاح شدهٔ ابزاری که توسط ماهانی و همکاران (۱۹۹۹) طراحی شده است اندازه گرفته می‌شود و شامل دو بخش خداپرستانه[2] و غیرخداپرستانه[3] است. هر یک از این آیتم‌ها با یک مقیاس ۷ نقطه‌ای طیف لیکرتی درجه‌بندی شده‌اند که این درجه‌بندی از ۱ (قویاً مخالف) تا ۷ (قویاً موافق) است. آیتم‌های این مقیاس دو خرده‌مقیاس کیفیتهای روحانی و جلوهٔ خداوند در والدگری را پشتیبانی می‌کنند. خرده‌مقیاس کیفیتهای روحانی والدگری که از ۱۰ آیتم تشکیل شده است، گستره‌ای را که والدین فرزندشان و تجربه والدگریشان را مقدس، روحانی، مذهبی و معنوی توصیف می‌کنند، می‌سنجد. خرده مقیاس جلوهٔ خداوند در والدگری تشکیل شده است از ۱۰ آیتم که درجه‌ای را که مادران و پدران

1 .Family Communication Scale (FCS)
2. Theistic
3. Non-theistic

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

والدگری را جلوه‌ای از تصاویر، باورها، یا تجربه‌هایشان از خداوند می‌دانند، اندازه می‌گیرند (لی-روی[1]،۲۰۰۹). اسوانک و همکاران (۲۰۰۰) روایی همگرای این مقیاس را با مقیاس مذهب جهانی،[2] و همچنین ویژگیهای مقدس[3] تأیید کردند (به نقل از ماهانی و پارگمنت، مری-اسوانک و مری-اسوانک، ۲۰۰۳). ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ در پژوهش اسوانک و همکاران (۲۰۰۰) ۰/۷۴ و در پژوهش لی روی (۲۰۰۹) به ترتیب برای پدران ۰/۷۹و برای مادران ۰/۷۰ محاسبه شد. پایایی با روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۷ به دست آمد.

یافته‌ها

داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه بررسی شده‌اند. به منظور اطلاع از متوسط عملکرد آزمودنیها و پراکندگی نمرات آنها در هر یک از متغیرهای پژوهش، شاخصهای توصیفیِ متغیرهای مورد پژوهش و ضرایب همبستگی بین آنها درجدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای معنویت والدگری، کیفیت ارتباط و سرسختی روان‌شناختی

	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. معنویت والدگری	۱۰۲/۵۷	۲۴/۳۵	۱					
۲. کیفیت ارتباط	۳۶/۱۳	۷/۴۵	۰/۷۸**	۱				
۳. تعهد	۰/۶۵	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۱۹**	۱			
۴. چالش	۰/۶۳	۰/۱۳	۰/۲۰**	۰/۱۹**	۰/۶۸**	۱		
۵. کنترل	۰/۶۴	۰/۱۳	۰/۱۹**	۰/۲۲**	۰/۷۸**	۰/۸۲**	۱	
۶. سرسختی روان‌شناختی	۶۴/۴۴	۱۱/۸۶	۰/۱۸**	۰/۲۲**	۰/۸۹**	۰/۹۱**	۰/۹۵**	۱

**P<0/01, *P<0/05

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بین معنویت والدگری و کیفیت ارتباط در خانواده (r= ۰/۷۸ ، p<۰/۰۱) و سرسختی روان‌شناختی (r= ۰/۱۸ ، p<۰/۰۱)رابطه وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی بین کیفیت ارتباط و سرسختی روان‌شناختی ۰/۲۲ که در سطح p<۰/۰۰۱ معنادار شده است. از بین خرده‌مقیاس‌های سرسختی، چالش(r= ۰/۲۰ ، p<۰/۰۱) و کنترل(r= ۰/۱۹ ، p<۰/۰۱) با معنویت والدگری رابطه دارند و تعهد (r= ۰/۱۹ ، p<۰/۰۱)، چالش (r= ۰/۱۹ ، p<۰/۰۱)، کنترل (r= ۰/۱۹ ، p<۰/۰۱) با کیفیت ارتباط در خانواده رابطه دارند.

1. LeRoy
2. Global religiousness
3. Sacred Qualities

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول مفروضات فوق برای تأیید نقش واسطه‌ای صادق است. برای بررسی مدل فرضی پژوهش از رگرسیون چندگانه به صورت همزمان مطابق با مراحل روش بارون و کنی (۱۹۸۶؛ به نقل از جوکار، ۱۳۸۶) استفاده شد. این مراحل عبارت‌اند از: ۱) رگرسیون سرسختی روان‌شناختی خانواده روی معنویت ۲) رگرسیون سرسختی روان‌شناختی روی معنویت و ارتباط خانواده ۳) مقایسهٔ مرحلهٔ اول و دوم. اگر ضریب رگرسیون معنویت از مرحلهٔ یک به دو به نحو قابل‌ملاحظه‌ای کاهش یابد، نشان‌دهندهٔ نقش واسطه‌ای ارتباط در خانواده است.

جدول شماره ۲. مدل رگرسیون و تحلیل واریانس معنویت والدگری و کیفیت ارتباط

مدل		مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون ۱	رگرسیون	۸۲۵/۴	۱	۸۲۵/۴	۵/۸۹	۰/۰۱
	باقیمانده	۲۵۵۷۰/۰۹	۱۸۴	۱۴۰/۰۵		
	کل	۲۶۵۹۵/۴۹	۱۸۵			
رگرسیون ۲	رگرسیون	۱۳۴۲/۱۵	۲	۶۷۱/۰۷	۴/۴۶	۰/۰۰۹
	باقیمانده	۲۵۲۵۳/۳۴	۱۸۳	۱۳۷/۹۹		
	کل	۲۶۵۹۵/۴۹	۱۸۵			

جدول شماره ۳. مدل رگرسیون همزمان متغیرهای معنویت والدگر و کیفیت ارتباط بر سرسختی

مدل	B	خطای معیار B	بتا	T	سطح معناداری
رگرسیون ۱	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۱۷	۲/۴۲	۰/۰۱
رگرسیون ۲	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۰۰۴	۰/۰۳	۰/۹۶
	۰/۳۵	۰/۱	۰/۲۲	۱/۹۳	۰/۰۵

۱. متغیر پیش‌بین؛ معنویت خانواده

۲. متغیر پیش بین؛ ارتباط و معنویت خانواده

ضریب مسیر (بتا) معنویت والدگری در وهلهٔ اول که به تنهایی وارد معادله شده است ۰/۱۷ است، این میزان وقتی متغیر ارتباط در وهلهٔ دوم وارد معادله می‌شود به ۰/۰۰۴ کاهش می‌یابد؛ یعنی با کنترل (وارد کردن) متغیر کیفیت ارتباط، رابطهٔ بین معنویت والدگری و سرسختی روان‌شناختی دیگر معنادار نشده است، پس متغیر کیفیت ارتباط توانسته است به‌خوبی نقش واسطه‌ای را در رابطه بین متغیرهای مذکور ایفا کند.

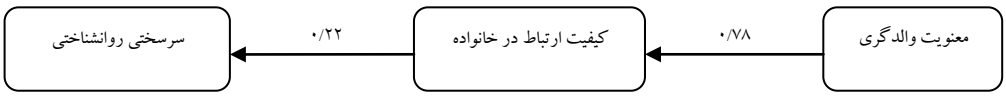

نمودار شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال بود که آیا کیفیت ارتباط در خانواده می‌تواند در نقش متغیری واسطه‌ای در رابطه بین معنویت والدگری و سرسختی فرزندان عمل کند؟ مدل پیشنهادی پژوهش با واسطه‌گری ارتباط خانواده توانست واریانس قابل‌توجهی از سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان را تبیین کند. نتایج با یافته‌های صیدی (۱۳۹۰)، السون (۲۰۰۰)، و اسمیت، فریمن و زبریسکی (۲۰۱۰) همسوست. در مورد چرایی تأیید نقش واسطه‌ای ارتباط می‌توان گفت که ارتباط از کلیدی‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل در کیفیت زندگی خانوادگی است که به‌راحتی نیز تحت تأثیر عوامل دیگر قرار می‌گیرد. همان‌گونه که اشاره شد، در بین متغیرهای مربوط به خانواده، ارتباط اثرپذیری و اثرگذاری قابل‌ملاحظه‌ای دارد. تحقیقات گاتمن و نوتاریوس[1] (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که ارتباط مناسب سهم عمده‌ای در بقا و دوام زندگی خانوادگی ایفا می‌کند. حجم عمدهٔ ادبیات پژوهشی صورت‌گرفته در مورد ارتباط خانواده نیز مؤید این نکته است که ثبات ازدواج و زندگی خانوادگی در گرو ارتباطی مناسب و درخور بین اعضاست. قطعاً خانواده‌ای که در آن اعضا نمی‌توانند احساسات، مقاصد و هیجانات خود را با یکدیگر در میان بگذارند، نمی‌تواند کارکرد مناسبی در مواجهه با مشکلات داشته باشد.

در مواقع بحران، نظام خانواده به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و ارتباط در خانواده می‌تواند به‌خوبی نقش عامل حمایتی در حفظ نظام خانواده را بازی کند. این نکته‌ای است که والش (۲۰۰۶) و بارنز و اولسون (۱۹۸۵) به‌خوبی از آن در مدل‌سازی خود برای سرسختی و تاب‌آوری خانواده استفاده کرده است. به اعتقاد بارنز و السون (۱۹۸۵)، ارتباط در خانواده مکانیسمهای خانواده را برای اشتراک ترجیحات، نیازها، و احساساتشان به‌کار می‌گیرد. ارتباط بعد تسهیل‌گر و پویای نظام خانواده در نظر گرفته می‌شود که نقشی حیاتی در کمک به خانواده برای حرکت به سمت دو بعد انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده ایفا می‌کند. ارتباط مثبت حرکت در سطوح مختلف سازمان خانواده را تسهیل می‌کند و فقدان مهارتهای ارتباط یا ارتباط منفی مانع می‌شود که سیستم خانواده توانایی تغییر در سطوح انسجام و انعطاف‌پذیری داشته باشد. بنابراین، ارتباط صحیح می‌تواند نقشی اساسی در جلوگیری از فروپاشی نظام خانواده در مواقع بحران و مشکل داشته باشد.

همچنان‌که معنویت والدگری بالاتر کیفیت بهتر ارتباط خانواده و کیفیت بهتر ارتباط سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان را موجب می‌شود، می‌توان ارتباط را انتقال‌دهندهٔ بخشی از اثر معنویت

1. Gottman & Notarius

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

والدین بر سرسختی روان‌شناختی دانش‌آموزان دانست. اینکه چگونه و از چه طرقی معنویت در خانواده می‌تواند کیفیت ارتباط خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد، مبحثی است که باید بدان پرداخته شود. برای پاسخ به این سؤال، علاوه بر نگاه برون‌دینی و فرهنگی باید نگاهی به درون فرهنگ و جامعهٔ خود داشته باشیم. معنویت همواره با معنا و معنایابی ملازم بوده، جنبهٔ بارز معنویت خانواده باورها و ارزشهای همراه با آن است (والش، ۲۰۰۹). معنویت مکانیسمهایی را در خود دارد که ارتباطات غنی‌تر و باکیفیت‌تر را موجب خواهد شد. بنا بر نتایج پژوهشهای پاین (۲۰۱۰) و لمبرت و دولهایت (۲۰۰۸)، معنویت بر باورهای ارتباطی زوجین اثری معنادار دارد. از طرفی باورهای ارتباطی همواره نقش مؤثر در کیفیت ارتباط (گودوین[1] و گینز[2]، ۲۰۰۴)، خشنودی زناشویی و سازگاری زناشویی و کارکرد خانواده و همچنین دلزدگی زناشویی داشته است. بنابراین، می‌توان اینگونه تبیین کرد که معنویت خانواده با مکانیسمهای خاص خود، باورهای مثبت و کارآمدی را در اعضای خانواده پرورش می‌دهد و همچنین مانع از جای گرفتن باورهای مخرب ارتباطی در سیستم شناختی آنها می‌شود، و از این طریق می‌تواند کیفیت ارتباط در خانواده را تحت تأثیر قرار دهد.

همچنین انسانهای معنوی از آنجا که پیوند قوی‌تری با سرسلسلهٔ هستی دارند، در تعاملات خود با دیگران وجود خود را با مخربهای ارتباطی از قبیل تحقیر، سرزنش، بدگویی، فحش و ناسزا آلوده نمی‌کنند؛ چراکه در غیر این صورت، امکانات لازم را برای اتصال با آن وجود برتر نمی‌یابند.

در فرهنگ اسلامی‌ـایرانی ما، همواره بایدها و نبایدهایی در زمینهٔ چگونگی برقراری ارتباط به‌خصوص در زندگی خانوادگی وجود داشته است که این امر بر کیفیت ارتباط افزوده و بازداری‌های لازم را در زمان‌های بروز، مشکل کرده است. در خانواده‌های معنوی اعضا بر اساس احترام متقابل با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، کوچکترها با احترام، اعضای بزرگتر به‌ویژه والدین را خطاب قرار می‌دهند، تکالیف و اعمال معنوی- مذهبی را به صورت دسته‌جمعی انجام می‌دهند، غیبت، تهمت، تحقیر، تمسخر، و... به دلیل تربیت مذهبی در این خانواده‌ها در حداقل قرار دارد که همهٔ این موارد ارتباطی سالم و به دور از عوامل مخرب را موجب می‌شود.

در پایان، نتایج این پژوهش تأکیدی دوباره داشت بر نقش اساسی معنویت خانواده در ابعاد مهم کارکرد خانواده به گونه‌ای که رابطه معنویت خانواده با ارتباط و سرسختی روان‌شناختی آن به گونهٔ

1. Goodwin
2 . Gaines

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

مطلوبی به تأیید رسیدند. این شاهدی است بر اثرگذاری این عامل در ابعاد متنوع خانواده و لزوم توجه بدان در کاربست‌های مشاوره و روان‌درمانی فردی و خانوادگی. مسیر خاص این پژوهش از معنویت خانواده آغاز و به سرسختی روان‌شناختی فرزندان ختم می‌شد. بسیاری بر این عقیده‌اند که نگاه آسیب‌شناختی به خانواده‌ها کمکی مقطعی است به آنها برای حل یک مشکل خاص، و نمی‌تواند آنها را در برابر مشکلات آتی مصون دارد. بنابراین، می‌شود با پیشگیری و تقویت منابع مربوط به کیفیت ارتباط خانواده و سرسختی روان‌شناختی آن، توانمندی و مصونیتی همیشگی برای آنها ایجاد کرد.

پیشنهادهای پژوهش

۱. به مشاوران مراکز خانواده و مؤسسه‌هایی که به نوعی با خانواده‌ها سرو کار دارند پیشنهاد می‌شود از نقش معنویت در خانواده غافل نشوند و موارد استفاده از آن را در کار با خانواده‌ها مدنظر داشته باشند.

۲. انجمنهای اولیا و مربیان، پژوهشگاه‌ها و نهادهای مرتبط با خانواده با برگزاری سمینار، کارگاه و جلسات آموزشی برای والدین در زمینهٔ شیوه‌های برقراری ارتباط سالم در خانواده، گام مهمی در مسیر پرورش نسلی سالم و آینده‌ساز بردارند.

۳. پیشنهاد می‌شود برای تعمیم‌پذیری نتایج، در مورد فرهنگها و مناطق دیگر نیز چنین پژوهشی انجام شود.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

منابع

بولتون، رابرت. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی روابط انسانی* (ترجمه حمیدرضا سهرابی). تهران: رشد.

جمشیدی، بهنام؛ رزمی، محمد رضا؛ حقیقت، شهربانو و سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). رابطهٔ انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با ابعاد کمال‌گرایی. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، شمارهٔ ۲، ۱۹۹-۲۰۵.

جمهری، فرهاد. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه بین سخت‌رویی و گرایش به افسردگی و اضطراب در بین زنان و مردان دانشجوی دانشگاه‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.

جوکار، بهرام. (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. *روانشناسی معاصر*، سال دوم، شماره ۲، ۳-۱۲ .

حمید، نجمه. (۱۳۸۹). رابطه میان سخت‌رویی روان‌شناختی، رضایت از زندگی و امید با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، سال چهارم، شماره ۴(۱۶)، ۱۱۶-۱۰۱.

دادز، مارک. (۱۳۸۷). *خانواده‌های آسیب‌زا* (ترجمه محمد دهگانپور و مسعود محمدی). تهران: رشد.

رمضانی گل‌افزانی، نازی. (۱۳۸۷). *مقایسه سرسختی بین زوج‌های متقاضی و غیرمتقاضی طلاق*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.

زارع، مریم و سامانی، سیامک.(۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف گرایی فرزندان. *خانواده پژوهی*، سال چهارم، شماره ۱۳، ۱۷-۳۶.

صادقی، منصوره السادات. (۱۳۸۹). *الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار*. پایان‌نامه دکتری. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.

صیدی، محمد سجاد. (۱۳۹۰). *نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط در خانواده در رابطهٔ بین معنویت خانواده با تاب‌آوری آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکدهٔ عوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

عسگری، پرویز و همایی، رضوان.(۱۳۸۹). رابطهٔ فشارزاهای روانی و سرسختی روان‌شناختی با سلامت روانی دانش‌آموزان دختر. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*. سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۰۹-۹۵.

کشتکاران، طاهره. (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز. *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۳۹، ۸۸-۶۹.

مینوچین، سالوادور. (۱۳۸۳). *خانواده و خانواده‌درمانی* (ترجمهٔ باقر ثنایی). تهران: امیرکبیر.

نریمانی، محمد و عباسی، مرتضی. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین سرسختی روان‌شناختی و خود تاب‌آوری با فرسودگی شغلی. *فراسوی مدیریت*، سال دوم، شماره ۸، ۹۵-۷۵.

نظری، علی محمد. (۱۳۸۸). *مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی*. تهران: علم.

Baily, C. E. (2002). The effect of spirituality beliefs and practices on family functioning: A qualitative study. *Journal of Family Psychotherapy*, *13*(1-2), 127-144.

Barnes, H. L., & Olson, D. H. (1985). Parent-adolescent communication and the circumplex model. *Child Development*, 56, 438-447.

Bigbee, J.L. (1985). Hardiness: A new health perspective in health promotion. *Nurse Practitioner*, *10*(11), 51-56.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

Doty, T. R. (2003). *Resiliency and religion/spirituality: A factor in families coping with multiple crises*. Doctoral dissertation, Southern Christian University, Alabama.

Goodwin, L. H., & Gaines, M. (2004). Family resilience in multiple contexts. *Journal of Marriage and Family*, *64*(2), 346-34.

Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage & the Family*, *62*(4), 927-947.

Harkness, S. S., Super, C.M., Moscardino, U., Rha, J-H, Blom, M., Huitron, B., Johnston, C., Sutherland, M., Hyun, O-K, Axia, G., & Palacios, J. (2007) Cultural models and developmental agendas: Implications for arousal and self-regulation in early infancy. *Journal of Developmental Processes*, 2, 5-39.

Higgins, D. H., Bailey, S. R., & Pearce, J. C. (2005). Factors associated with functioning style and coping strategies of families with a child with an autism spectrum disorder. *Autism*, *99*(2), 125-137.

Huang, C. (1995). Hardiness and stress: A critical review. *Maternal Child Nursing*, 23, 82-89.

Komarraju, M., & Karau, S. J. (2005). The relationship between the big five personality traits and academic motivation. *Journal of Personality and Individual Differences*, 39, 557-567.

Lambert, N. M., & Dollahite. D. C. (2008). The threefold cord: Marital commitment in religious couples. *Journal of Family Issues*, *29*(5), 592- 614.

LeRoy, M. A. (2009). *The role of sanctification of parenting in married couples' perceptions of co-parenting*. M.A. thesis, Bowling Green State University.

Loser, R.W., Klein, S. R., Hill, E.J., & Dollahite, D. C. (2008). Religion and the daily lives of LDS families: An ecological perspective. *Journal of Family and Consumer Sciences Research*, *37*(1), 52-70.

Maddi, S. R. (2006). Hardiness: The courage to grow from stresses. *Journal of Positive Psychology*, 1, 160-168.

Maddi, S. R. (2006). Personal values survey II: A measure of dispositional hardiness. In C.P. Zalaquett & R. J. Wood (Eds.), *Evaluating stress: A book of resources* (pp. 293-309). Lanham, MD: Scarecrow Press.

Mahoney, A., Pargament, K. I., Murray- Swank, A., & Murray- Swank, N. (2003). Religion and the sanctification of family relationships. *Review of Religious Research*, 44, 220-236.

Mathews, L. L., & Servaty-Seib, H. L. (2007). Hardiness and grief in a sample of bereaved college students. *Journal of Death Studies*, *31*(3), 183–204.

McGoldrick, M., Giordano, J., & Garcia-Preto, N. (Eds.). (2005). *Ethnicity and family therapy* (3rd ed.). New York: Guilford Press.

Mullis, R. L., Brailsford, J. C., & Mullis, A. (2003). Relations between identity formation and family characteristics among young adults. *Journal of Family Issues*, 24, 966-980.

Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*, *22*(2), 144 – 167.

Olson, D. H., & Barns, H. (2004). *Family communication*. Minneapolis: Life Innovations, Inc.

Patterson, J. M. (2002). Integrating family resilience and family stress theory. *Journal of Marriage and Family*, *64*(2), 349-360.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

Payne, P. B. (2010). *Spiritual beliefs in family experiences and couples co-creation of spiritual beliefs during the early years of Marriage*. Doctoral dissertation, Northon School of Family and Consumer Sciences Division of Family studies and Human Development.

Perosa, L. M., & Perosa, S .L. (2001). Adolescent perceptions of cohesion, adaptability, and communication: Revisiting the circumplex model. *Journal of the Family*, 9, 407-419.

Poston, D.J., & Turnbull, A.P. (2004). Role of spirituality and religion in family quality of life for families of children with disabilities. *Education and Training in Developmental Disabilities, 39(2), 95-108.*

Ramsey, A. T. (2008). *Fitting person-environment fit within a demand-control framework investigating the interactive effects of actual and desired control on task performance and stresses.* A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Master of Arts Degree. Southern Illinois University.

Smith, K. M., Freeman, P. A., & Zabriskie, R. B. (2010). An examination of family communication within the core and balance model of family leisure functioning. *Journal of Family Relations*, *58*(1), 79–90.

Walsh, F. (2002). A family resilience framework: Innovative practice applications. *Journal of Family Relations*, *51*(2), 130-137.

Walsh, F. (2006). *Strengthening family resilience.* New York: Guilford Press.

_____ (2009). *Spiritual resources in family therapy*. New York: Guilford Press.

Zapf, M. K. (2005). The spiritual dimension of person and environment: Perspectives from social work and traditional knowledge. *Journal of International Social Work*, *48*(5), 633- 642.

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]

[Downloaded from mail.qjfr.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.1.8]